

The Hajj Pilgrimage of 9 AH and the Proclamation of the Verses of Disavowal by Abū Bakr: A Geographical Analysis and Temporal Feasibility Study

Seyed Ali Hosseinpour¹

(Received on: 2024-11-20; Accepted on: 2025-02-06)

Abstract

The proclamation of the verses of disavowal in the ninth year of Hijra is a significant controversial issue in Islamic history. Many Sunni and Shiite scholars agree that the Prophet assigned someone to deliver these verses that year. Shiites identify Imam ‘Alī as the envoy, while most Sunnis attribute this role to Abū Bakr, with both groups citing various arguments in support of their claims. This study offers a fresh perspective on the proclamation of these verses, examining it from geographical and temporal standpoints. To this end, reports from both Sunni and Shiite sources are scrutinized. An analysis of the historical claims made by both groups indicates that, geographically, the locations mentioned in early sources suggest that Abū Bakr’s return to Medina and subsequent rejoining of Imam ‘Alī for the proclamation would not have been feasible within the available timeframe.

Keywords: proclamation of the verses of disavowal, Imam ‘Alī, Abū Bakr, time, geography.

1. Assistant Professor, Department of History, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.
Email: sahosseinpour@gmail.com

حج سال نهم و ابلاغ آیات برائت توسط ابوبکر؛ بررسی جغرافیایی و امکان سنجی زمانی

سیدعلی حسین پور^{*}

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸]

چکیده

ابلاغ آیات برائت در سال نهم هجری از مسائل مهم و بحث برانگیز تاریخ اسلام است. بسیاری از اندیشمندان شیعه و سنی بر این عقیده اند که پیامبر خدا ﷺ در سال نهم هجری شخصی را مأمور ابلاغ آیات برائت کرد. شیعیان، امیرمؤمنان علی علیه السلام را و بیشتر اهل تسنن، ابوبکر را متصدی این امر در سال نهم هجری معرفی کرده و هر دو گروه برای مدعی خود به دلایل متعددی استناد کرده اند.

این پژوهش تلاش دارد نگاهی جدید به ابلاغ آیات برائت داشته و آن را از لحاظ جغرافیایی و زمانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد؛ بدین منظور گزارش های موجود در منابع شیعه و اهل تسنن مورد کنکاش قرار گرفته است. تحلیل گزاره های تاریخی مورد ادعای هر دو گروه نشان می دهد از لحاظ جغرافیایی، مجموعه مکان های ذکر شده در منابع کهن، برای دریافت آیات برائت توسط امیرمؤمنان علیه السلام از ابوبکر، به گونه ای است که امکان بازگشت ابوبکر به مدینه و مراجعه مجدد او برای همراهی با امیرمؤمنان علیه السلام از نظر زمانی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: ابلاغ آیات برائت، امیرمؤمنان علی علیه السلام، ابوبکر، زمان، جغرافیا

مقدمه

از جمله باورهای شیعیان فضیلت امیرمؤمنان علیه السلام بر دیگر صحابه است. در مقابل، اهل تسنن اعتقاد به برتری خلفا بر امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام، دارند و در این راستا، غالب فضائل منسوب به امیرمؤمنان را رد می کنند. از جمله فضائلی که در طول تاریخ اسلام بسیار مورد نقد و بررسی قرار گرفته، «ابلاغ آیات برائت» است. ماجرا از آنجا آغاز شد که در سال نهم هجری آیات نخستین سوره برائت نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز ابوبکر را برای خواندن آیات برائت و اعلام بیزاری خدا و رسولش از مشرکان، به مکه فرستاد؛ اما وقتی ابوبکر به نیمه های راه رسید، جبرئیل نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که این سوره باید توسط خود شما یا کسی که از خود شما و همانند شما است، خوانده شود. پس از آن، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان علیه السلام را به دنبال ابوبکر فرستاد. ابوبکر که از این قضیه به شدت ناراحت شده بود، بازگشت و دلیل آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید، آن حضرت فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ لَا يُبَلِّغَهُ إِلَّا أَنَا، أَوْ رَجُلٌ مِنِّي؛ مأمور شدم یا خودم آن را ابلاغ نمایم یا کسی که از من است (آن را ابلاغ کند)» (احمد بن حنبل، بی تا: ج ۱، ص ۳).

فضیلت بی نظیر موجود در این ماجرا هر یک از مذاهب اسلامی را بر آن داشت تا با نفی و اثبات جزئیات ماجرا، آن را به پیشوای خود نسبت دهند. بر این اساس، شیعیان با اثبات این فضیلت بی نظیر، در پی اثبات برتری مطلق امیرمؤمنان علیه السلام بر خلیفه اول هستند؛ زیرا این واقعه نشان می دهد امیرمؤمنان علیه السلام نزدیک ترین شخص به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و مطیع کامل آن حضرت بوده است؛ چنان که خداوند از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي؛ هر کس از من اطاعت کند، پس او از من است» (ابراهیم: ۳۶) و در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَذْهَبُ بِهَا إِلَّا رَجُلٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ؛ شایسته نیست که این مأموریت را کسی انجام دهد؛ مگر شخصی که از من است و من از اویم» (احمد بن حنبل، بی تا: ج ۱، ص ۳۳۱؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۳، ص ۱۳۳؛ العینی، بی تا: ج ۴، ص ۷۸) و این یعنی امیرمؤمنان علیه السلام جان پیامبر صلی الله علیه و آله است، هیچ

تفاوتی با آن حضرت نداشته و در حقیقت یک روح در دو بدن هستند؛ همان‌طور که خداوند در آیه مباهله، امیرمؤمنان (علیه السلام) را «جان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)» خوانده است.

از سوی دیگر برخی از اهل تسنن و به خصوص سلفیه و وهابیت، ماجرا را به گونه‌ای بیان کرده‌اند که نه تنها در آن هیچ فضیلتی برای امیرمؤمنان (علیه السلام) وجود ندارد؛ بلکه برتری ابوبکر بر امیرمؤمنان (علیه السلام) را ثابت می‌کند. ابن تیمیه، به عنوان پدر فکری وهابیت افراطی در این باره نوشته است:

«ثُمَّ بَعْدَ رُجُوعِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [من تبوك] بَعَثَ أَبَا بَكْرٍ أَمِيرًا عَلَى الْمُؤَسِّمِ، وَأَرْذَقَهُ بِعَلِيٍّ فَقَالَ [لِعَلِيٍّ]: أَمِيرٌ أَمْ مَأْمُورٌ؟ [فَقَالَ: بَلْ مَأْمُورٌ] فَكَانَ أَبُو بَكْرٍ أَمِيرًا عَلَيْهِ، وَعَلِيٌّ مَعَهُ كَالْمَأْمُورِ مَعَ أَمِيرِهِ: يُصَلِّي خَلْفَهُ، وَيُطِيعُ أَمْرَهُ، وَيُنَادِي خَلْفَهُ مَعَ النَّاسِ بِالْمُؤَسِّمِ: أَلَا لَا يَحُجُّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكٌ، وَلَا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ عُزَيَّانٌ؛ پیامبر پس از بازگشت از جنگ تبوک ابوبکر را به عنوان «امیر» بر موسم حج سال نهم قرار داد و هنگامی که [امیرمؤمنان (علیه السلام)] علی را (به خاطر خواندن آیات سوره براءت) به دنبال او فرستاد، ابوبکر به او گفت: به عنوان امیر آمده‌ای یا مأمور؟ پاسخ داد: تو امیر هستی و من مأمور. [امیرمؤمنان (علیه السلام)] علی پشت سر ابوبکر نماز می‌خواند و او امر او را اطاعت می‌کرد و در حالی که پشت سر او بود آیات براءت را ابلاغ می‌کرد» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۷، ص ۳۳۵).

او در آثار گوناگونش بارها با عبارت‌های گوناگون بر این مسئله تاکید کرده است.^۱ دیگر علمای اهل تسنن که در ادامه به آنان اشاره خواهد شد، نیز گاه به صورت کامل و گاه در برخی موارد با ابن تیمیه هم عقیده بوده‌اند.

کنار هم قراردادن گزارش‌های موجود در منابع کهن اهل تسنن، سپس تحلیل سندی و محتوایی آنها می‌تواند حقیقت را تا حد بسیاری آشکار سازد.

دیدگاه اهل تسنن

در بسیاری از منابع اهل تسنن ذیل بحث «ابلاغ آیات براءت» به مسئله «امارت حج» نیز برمی‌خوریم. امارت حج ریشه در قبل از ظهور دین مبین اسلام دارد. با ظهور اسلام و استقرار حکومت اسلامی

در مدینه و با فتح مکه، شرایط ایجاب می‌کرد پیامبر ﷺ، امیری برای مراسم حج سال نهم هجری انتخاب کند. بر این اساس اهل تسنن کوشیده‌اند این منصب را به ابوبکر نسبت دهند و آن را با ابلاغ آیات برائت در سال نهم هجری مرتبط سازند. در این باره، مطالب موجود در منابع کهن اهل تسنن را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

گروه اول: ابوبکر فقط امیرالحاج بوده و وظیفه امیرمؤمنان علی ابلاغ احکام جدید از سوی پیامبر ﷺ و خواندن آیات برائت برای مشرکان بوده است؛ از جمله این گروه می‌توان به واقدی، ابن هشام، بلاذری، طبری، ابن حزم اندلسی و ابن سیدالناس اشاره کرد (واقدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۱۰۷۷-۱۰۷۸؛ ابن هشام، بی‌تا: ج ۲، ص ۵۴۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۴۹۱-۴۹۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۱۲۳؛ ابن حزم اندلسی، بی‌تا: ص ۲۰۶؛ ابن سیدالناس، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۲۸۴).

گروه دوم: ابوبکر را امیرالحاج می‌دانند و نوشته‌اند امیرمؤمنان، علی عليه السلام، ابوبکر و ابوهریره هر سه ابلاغ‌کننده احکام بوده‌اند؛ نووی (نووی، ۱۴۰۷: ج ۹، ص ۱۱۶؛ نووی، بی‌تا: ج ۸، ص ۱۵) از این افراد است. **گروه سوم:** ابوبکر امیرالحاج و علی عليه السلام مأمور خواندن آیات برائت برای مشرکان بوده است؛ طبری در تفسیرش، ابن زَمَين، ثعلبی نیشابوری، بغوی، بیهقی و ابن عطیه اندلسی (طبری، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۴۴؛ ابن زَمَين، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۱۹۳؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ج ۵، ص ۸؛ بغوی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۳۴؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ج ۵، ص ۲۹۳؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۲۱) از جمله این افراد هستند.

گروه چهارم: ابوبکر امیرالحاج و ابلاغ‌کننده احکام جدید بود. امیرمؤمنان علی عليه السلام نیز آیات برائت را قرائت می‌کرد؛ از جمله این افراد می‌توان به ابن عبدالبر اشاره کرد (قرطبی، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۱۰۲۳-۱۰۲۴).

گروه پنجم: ابوبکر را امیرالحاج دانسته و فقط ابوهریره را ابلاغ‌کننده «احکام جدید پیامبر خدا ﷺ» درباره مشرکان معرفی کرده‌اند؛ بخاری، نسائی، بیهقی، ابن قدامه و ذهبی (بخاری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۱۶۴ و ۱۱۵؛ نسائی، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۲۳۴؛ بیهقی، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۱۶۶؛ ابن قدامه،

بی تا (الف): ج ۳، ص ۳۹۰؛ ابن قدامه، بی تا (ب): ج ۳، ص ۳۹۸؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ج ۳۶، ص ۲۳۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳ (ب): ج ۷، ص ۳۵۵ و ج ۲۰، ص ۲۳) به این مسئله اشاره کرده اند. در کمال تعجب باید گفت این افراد در این ماجرا حتی نامی از امیرمؤمنان علی علیه السلام نبرده اند.

گروه ششم: ابوبکر هم امیرالحاج و هم مأمور ابلاغ آیات سوره براءت بوده است؛ ابن تیمیه حرانی از جمله این افراد است (ابن تیمیه، ۱۴۱۲: ج ۱۹ ص ۲۰ و ج ۲۱، ص ۲۷۶).

مطالب فوق نشان می دهد، غالب منابع اهل تسنن معتقدند که قطعاً ابوبکر امیرالحاج سال نهم بوده و به عقیده برخی از آنان، امیرمؤمنان علیه السلام زیر نظر ابوبکر، ابلاغ کننده آیات براءت یا احکام جدید بوده است. بررسی ها نشان می دهد هیچ یک از سخنان فوق درست نیست. در سال نهم هجری نیز هیچ کس امارت حج را به عهده نداشته و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تنها امیرمؤمنان علی علیه السلام را مسئول ابلاغ آیات سوره براءت به جای ابوبکر کرده است. برای ارزیابی میزان صحت مطالب فوق باید به نکات زیر اشاره نمود:

۱. بررسی روایات

روایات بسیاری در منابع اهل تسنن وجود دارد که نشان می دهد ماجرای حج سال نهم، تنها مربوط به ابلاغ آیات سوره براءت بوده و اصلاً بحث امارت حج در کار نبوده است. این روایات که بر اساس ملاک های روایی اهل تسنن از لحاظ سندی صحیح به شمار می آیند، تصریح کرده اند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا ابوبکر را برای ابلاغ آیات سوره براءت فرستاد؛ اما وقتی او به نیمه های راه رسید، جبرئیل نازل شد و به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد این سوره باید توسط خود شما یا کسی که از خود شما است، خوانده شود. لذا پیامب صلی الله علیه و آله و سلم، امیرمؤمنان علی علیه السلام را به دنبال ابوبکر فرستاد تا آیات سوره براءت را از او بگیرد و ابوبکر را برگرداند و خود، آن را در موسم حج در مکه بخواند. بنابراین بحث «امارت حج» از اضافاتی است که بعدها با اهداف خاصی به متن روایات اضافه شده است. مؤید این مدعی گزارش های متعدد موجود در منابع کهن اهل تسنن است؛ به عنوان نمونه:

۱- در دو کتاب مسند احمد و مسند ابویعلی آمده است:

رسول خدا ﷺ ابوبکر را به منظور خواندن آیات برائت به مکه فرستاد تا اعلام کند از این پس، مشرکان حق ندارند به حج بروند؛ نباید با بدن برهنه به طواف خانه خدا بپردازند؛ جز مسلمان کسی به بهشت نمی رود؛ هر کس با رسول خدا ﷺ تعهدی دارد، تعهد او تا پیش از سرآمد مدت قابل قبول است و خدا و رسولش از مردم مشرک بیزارند!

ابوبکر بیش از سه منزل از مدینه دور نشده بود که رسول خدا ﷺ به امیرمؤمنان ع السلام دستور داد خود را به ابوبکر برسان و او را برگردان و خود آیات برائت را به مردم مکه ابلاغ کن. امیرمؤمنان همان طور که پیامبر دستور داده بود، مأموریت را انجام داد. ابوبکر گریان نزد رسول خدا ﷺ برگشت و گفت: یا رسول الله! آیا درباره من مسأله ای رخ داده است؟ حضرت فرمود: جز خیر چیز دیگری درباره ات رخ نداده است؛ ولی به من دستور داده شده که آیات برائت را یا خودم بر مردم مکه بخوانم یا مردی که از من است (احمد بن حنبل، بی تا: ج ۱، ص ۳؛ ابی یعلی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۰۰؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۲، ص ۳۴۸؛ سیوطی، بی تا: ج ۱۳، ص ۱۵۹).

در این روایت، هیچ اشاره ای به «امارت حج» نشده است. سند این روایت نیز از دیدگاه علم رجال اهل تسنن کاملاً صحیح است و تمام راویان ثقة هستند.^۲

۲- ابن اعرابی می نویسد:

«رسول خدا ﷺ ابوبکر را برای خواندن سوره برائت به سوی مکه فرستاد، سپس به او گفت: آیات را برگردان، ابوبکر نیز برگرداند و گفت: چه اتفاقی برای من افتاده، آیا چیزی درباره من نازل شده؟ پیامبر خدا فرمود: نه، ولی به من دستور داده شده آیات را فقط خودم یا مردی که از من است ابلاغ کند. در نتیجه پیامبر آیات را به علی بن ابی طالب ع السلام داد» (ابن اعرابی، ۱۴۱۸: ج ۳، ص ۱۰۳۱).

در این روایت نیز هیچ اشاره ای به «امارت حج» نشده و سند آن نیز صحیح و بدون اشکال است.^۳

۳- احمد بن حنبل، طبرانی، ابن عساکر، ابن کثیر دمشقی و جمعی دیگر از نویسندگان اهل تسنن در روایتی که سند آن کاملاً صحیح است،^۴ آورده اند:

«افرادی که در ۹ گروه بودند، نزد عبدالله بن عباس آمدند و گفتند: یا برخیز و با ما بیای شما [که کنارش نشسته اید] ما را با ابن عباس تنها گذارید. این قضیه زمانی بود که ابن عباس بینا بود و هنوز نابینا نشده بود. ابن عباس گفت: من با شما می آیم [آنان به گوشه ای رفتند و] با ابن عباس مشغول گفت و گو شدند. پس از مدتی عبدالله بن عباس در حالی که لباسش را تکان می داد تا غبارش فروریزد آمد و گفت: اف و تف بر آنان، به مردی دشنام می دهند و از او عیب جویی می کنند که ده ویژگی برای اوست. سپس افزود، رسول خدا ﷺ [فلانی را برای خواندن سوره توبه فرستاد، سپس علی ﷺ] را به دنبال او فرستاد و سوره را از او گرفت و رسول خدا ﷺ [فرمود: برای خواندن آن غیر از کسی که از من است و من از او هستم، فرد دیگری شایستگی ندارد] (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۶۸۵؛ احمد بن حنبل، بی تا: ج ۱، ص ۳۰۵۳؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۲، ص ۱۰۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۷، ص ۳۳۸).

روایات فوق توسط طبرانی، ابن ابی عاصم و نسائی به صورتی کامل تر همراه با ذکر نام ابوبکر، چنین آمده است:

«پیامبر، ابوبکر را برای خواندن سوره توبه و علی ﷺ [را به دنبال او فرستاد، ابوبکر گفت: ای علی ﷺ! شاید خدا و رسولش از دست من خشمگین شده اند؟ علی ﷺ] گفت: نه؛ ولی رسول خدا ﷺ [فرمود: شایسته نیست این مأموریت را از جانب من انجام دهد؛ مگر کسی که از من است و من از اویم] (طبرانی، بی تا: ج ۱۲، ص ۹۸؛ شیبانی، ۱۴۰۰: ج ۲، ص ۶۰۳؛ نسائی، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۱۱۳).

۲. مشروع نبون حج در سال نهم

اشکال مهم دیگر «امیرالحاج» بودن ابوبکر در سال نهم هجری این است که انجام مناسک حج در آن سال برای مسلمانان اصلاً مشروع نبود تا ابوبکر امیر بر حاجیان باشد؛ زیرا طبق

رسوم مشرکان، در سال نهم هجری حج به جای ذیحجه، در ماه ذیقعدہ برگزار می شد.^۵ رسول خدا ﷺ نیز امیرمؤمنان (علیه السلام) را فرستاد تا در زمان حج مشرکان، سوره برائت را برای آنان بخواند و این سال را آخرین سال حج آنها اعلام کند؛^۶ بنابراین اگر ابوبکر یا دیگر مسلمانان در سال نهم هجری مراسم حج را به جا آورده باشند، عملی را انجام داده اند که خداوند آن را «زیادة في الكفر» خوانده است: «إِنَّمَا التَّسْيُّ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحَلِّوْنَهُ عَاماً وَيَحَرِّمُونَهُ عَاماً؛ نَسِءٌ [جابه جاکردن و تأخیر ماه های حرام]، افزایشی در کفر (مشرکان) است که با آن، کافران گمراه می شوند یک سال، آن را حلال و سال دیگر آن را حرام می کنند» (توبه: ۳۷).

بیهقی نیز متوجه اشکال فوق شده و بدون آنکه برای اشکال، جوابی ارائه نماید، می نویسد: «سوره برائت قبل از حج ابوبکر نازل شد و در این سوره آمده است: «نَسِءٌ [جابه جاکردن و تأخیر ماه های حرام]، افزایشی در کفر [مشرکان] است»، پس آیا جایز است که ابوبکر مراسم حج را بر مبنای حج عرب انجام داده باشد؛ درحالی که خداوند خبر داده است که این کار آن ها کفر است» (بیهقی، ۱۴۱۴: ۵، ص ۱۶۶).

علاوه بر این، گریه ابوبکر هنگام رسیدن به پیامبر خدا ﷺ (نسائی، ۱۴۱۱: ۵، ص ۱۲۸) ثابت می کند، رسول خدا ﷺ مقام و منزلت مهمی را از او گرفته است و اگر طبق ادعای اهل تسنن، ابوبکر «امیرالحاج» بود، گریه و ناراحتی برای او معنا نداشت؛ چراکه دارای مقام بالاتری بوده و طبعاً برای گرفتن مقام پایین تر که زیر نظر خود او است، نباید ناراحت شود و گریه کند. همچنین اگر وظیفه او علاوه بر ابلاغ، امارت نیز بود، رسول خدا ﷺ نباید دستور به بازگشت او می داد. این در حالی است که بسیاری نویسندگان اهل تسنن تصریح کرده اند ابوبکر به مدینه بازگشت (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹: ج ۶، ص ۳۷۴؛ احمد بن حنبل، بی تا: ج ۱، ص ۱۸۴؛ مروزی، بی تا: ج ۱، ص ۱۹۸؛ نسائی، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ ابویعلی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۴۱۲؛ طحاوی، ۱۴۱۵: ج ۹، ص ۲۱۶؛ ابن زمنین، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۱۹۳؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۳۰۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۲: ج ۱۸، ص ۷؛ سیوطی، بی تا: ج ۳۳، ص ۱۶).

در میان انبوهی از گزارش‌ها که دلالت بر بازگشت ابوبکر به مدینه دارد، گاه در برخی منابع تنها یک گزارش به نقل از جابر و گاه به نقل از ابن عباس به چشم می‌خورد که ابوبکر پس از «انجام مناسک حج» به مدینه بازگشته است (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۴، ص ۳۳۹؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۴۹۳). ابن کثیر نیز می‌نویسد: «مقصود این نیست که ابوبکر فوراً برگشته باشد؛ بلکه بعد از انجام مناسک که رسول خدا ﷺ [او را امیر آن قرار داده بود، برگشت]» (ابن کثیر، ۱۴۰۱: ج ۴، ص ۹۳)؛ اما پذیرش این سخن اشکالات متعدد ذیل را به همراه دارد:

۱. در بسیاری از منابع کهن اهل تسنن - که چند سطر پیش نام برخی از آن‌ها گذشت - هیچ اشاره‌ای به بازگشت ابوبکر بعد از انجام مراسم حج نشده است؛ بلکه بر عکس الفاظ به کاررفته در همه این منابع حکایت از بازگشت فوری ابوبکر به مدینه دارد.
۲. این گزارش با روایت اول که با سند صحیح از خود ابوبکر نقل شد، سازگاری ندارد. طبق این روایت، ابوبکر چند منزل به طرف مکه رفت و سپس بازگشت و با حالت گریه علت عزل خود را سؤال کرد. همچنین در این روایت صریحاً آمده که رسول خدا از ابوبکر خواست بازگردد: «بَعَثَ النَّبِيُّ بِرَّاءَةَ مَعَ أَبِي بَكْرٍ ثُمَّ دَعَاهُ».
۳. در کتاب مسند ابوبکر که بر مبنای اهل تسنن با سند صحیح نقل شده، نیز تصریح شده است که ابوبکر پس از عزل به مدینه بازگشت (مروزی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۹۸).
۴. پذیرش این گزارش تبعات منفی به همراه دارد؛ به عنوان نمونه اگر ابوبکر فوراً بازنگشته باشد، طبعاً با دستور رسول خدا ﷺ مخالفت و بر حکمی که خدا و رسولش کرده‌اند، گردن نهاده است؛^۷ زیرا دستور پیامبر ﷺ برای بازگشت ابوبکر به مدینه، ظهور در این دارد که این بازگشت باید فوری انجام می‌شده و بازگشت او به مدینه پس از انجام حج، چنان‌که برخی مدعی آن شده‌اند، امری عادی و بدون توجه به فرمان حضرت بوده است.

بررسی جغرافیای بازگشت

ابن حجر عسقلانی که متوجه ناسازگاری سخن برخی نویسندگان اهل تسنن با روایات موجود در منابع کهن و عوارض ناپسند آن برای خلیفه اول شده است، ادعا کرده: «هیچ مانعی ندارد که ابوبکر بلافاصله برگشته و دوباره به کاروان ملحق شده باشد، زیرا مسافت نزدیک بوده است»^۸. درباره این فراز از جمله ابن حجر لازم است بدانیم، وی گزارش خود را از ابن‌کثیر گرفته است. در متن گزارش ابن‌کثیر به نقل از احمد بن حنبل (احمد بن حنبل، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۵) آمده است که امیرمؤمنان ع، ابوبکر را در «جُحْفَه» ملاقات کرد و او را پس فرستاد؛ اما از آنجا که بیان واژه «جحفه» راه را بر توجیه این روایت می‌بسته، ابن حجر آن را حذف کرده است. ابن‌کثیر می‌نویسد: «عن علي ع قال: لما نزلت عشر آيات من براءة علي النبي ص دعا النبي ص أبا بكر فبعثه بها ليقراها على أهل مكة ثم دعاني فقال: أدرك أبا بكر فحيثما لحقته فخذ الكتاب منه فاذهب إلى أهل مكة فاقرأه عليهم، فلحقته بالجحفة فأخذت الكتاب منه ورجع أبو بكر إلي النبي ص» (ابن‌کثیر، ۱۴۰: ج ۴، ص ۹۳).

اما ابن حجر عسقلانی این متن را با برداشتن واژه «جحفه» این‌گونه تحریف نموده است: «في حديث علي ع [ع] عند أحمد لما نزلت عشر آيات من براءة بعث بها النبي ص مع أبي بكر ليقراها على أهل مكة ثم دعاني فقال أدرك أبا بكر فحيثما لقيته فخذ منه الكتاب. فرجع أبو بكر» (عسقلانی، بی‌تا: ج ۸، ص ۲۴۱).

برای بررسی مدعای ابن حجر عسقلانی درباره «بازگشت سریع ابوبکر و دوباره ملحق شدن او به کاروان»، اولاً باید نام تمام مکان‌هایی را که در منابع کهن از آنها به عنوان «مکان ملاقات امیرمؤمنان ع و ابوبکر» یاد شده، استخراج کرد. این مکان‌ها به شرح ذیل است: «جُحْفَه»، «صَبْجَان»، «عَرْج»، «ذُو الْحُلَيْفَةِ» و «سه منزل بعد از مدینه». تعداد قابل توجهی از منابع نیز تنها گفته‌اند: بین راه مدینه به مکه.

ثانیاً، به صورت معمول حاجیان شهر مدینه پنج روز مانده به آخر ماه ذی‌قعدة از مدینه به راه می‌افتادند تا بتوانند بین روزهای پنجم تا نهم ذیحجه برای انجام مناسک حج، خود را به مکه برسانند^۱ بر این اساس (و با توجه به انجام مناسک حج سال نهم در ماه ذی‌قعدة) می‌توان حدس زد، زمان حرکت ابوبکر بین روزهای بیست و پنجم تا بیست و نهم شوال بوده است تا بتواند بین روزهای پنجم تا نهم ذی‌قعدة در شهر مکه و نهایتاً در سرزمین عرفات حضور داشته باشد. اکنون با توجه به نکات فوق به بررسی مکان‌های ذکر شده خواهیم پرداخت:

۱- جحفه

جمله «ملاقات امیرمؤمنان (علیه السلام) با ابوبکر در جحفه» در بسیاری از منابع اهل تسنن مانند: مسند احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، تاریخ مدینه دمشق، الرياض النضرة في مناقب العشرة، مختصر تاریخ دمشق، البداية والنهاية، تفسیر القرآن العظیم، عمدة القاري، کنز العمال، جامع الأحادیث (احمد ابن حنبل، بی تا: ج ۲، ص ۴۲۷؛ احمد بن حنبل، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۷۱۶؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۲، ص ۳۴۸؛ محب الدین طبری، بی تا: ج ۳، ص ۱۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۲: ج ۱۸، ص ۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۴۶ و ج ۷، ص ۳۹۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۱: ج ۴، ص ۹۳؛ العینی، بی تا: ج ۱۸، ص ۲۶۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۲۲؛ سیوطی، بی تا: ج ۳۲، ص ۴۹) آمده است. در بررسی جغرافیایی این مورد به عنوان مکان ملاقات امیرمؤمنان (علیه السلام) با ابوبکر باید گفت: جاده‌ای که امروزه شهرهای مکه و مدینه را به هم مرتبط ساخته است در حدود پانصد کیلومتر است. کاروان‌ها در اعصار گذشته و با وسایل نقلیه آن زمان، این فاصله را تقریباً در عرض هشت تا ده روز طی می‌کردند؛ چنان‌که به نقل واقدی، سپاه قریش در جنگ احد، در عرض ده روز (واقدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۰۶)، سپاه اسلام هنگام فتح مکه حداقل ده روز^۲ و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام حجة الوداع در ده روز (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۱۲) و هنگام هجرت این مسیر را هشت روزه طی کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۳).

۲۳۳). جغرافی دانان قدیم نیز فاصله مکه تا مدینه را ده منزل ثبت نموده اند (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۲، ص ۱۱۱).^{۱۱} در این منابع آمده است: «جحفه» از لحاظ موقعیت جغرافیایی شش منزل با مدینه و چهار منزل تا مکه فاصله دارد. بر اساس گزارش های اخیر، فاصله مکه تا جحفه با جاده کنونی حدود ۱۸۰ کیلومتر و فاصله آن با مدینه ۳۲۰ کیلومتر است. حال بر پایه فاصله ای که در منابع کهن آمده است، می توان گفت که اگر ابوبکر از جحفه به مدینه بازگشته باشد، حرکت دوباره او به طرف مکه دشوار به نظر می رسد؛ زیرا بازگشت ابوبکر به مدینه (شش منزل) و حرکت مجدد او تا رسیدن به جحفه (شش منزل) با وسایل نقلیه آن زمان حدود دوازده روز طول خواهد کشید؛ به علاوه اگر این زمان را با شش روز اولیه حرکت^{۱۲} حساب کنیم، جمعاً عدد هجده روز به دست می آید و اگر این عدد را با باقی مانده مسافت (از جحفه تا شهر مکه به میزان ۴ روز) جمع بزنیم، جمعاً عدد بیست و دو به دست می آید. به فرض حرکت ابوبکر در روزهای آغازین حرکت حجاج جاهلی (بیست و پنجم شوال) و به فرض سی روزه بودن ماه شوال در آن سال، وی هفدهم ماه ذیقعد به مکه رسیده است که عملاً و عقلاً کلیه اعمال و مناسک حج در این مدت پایان یافته و چه بسا بسیاری از آنان در راه بازگشت به منازل خویش بوده اند.^{۱۳}

۲- ضَبَّان

برخی نویسندگان، مکان ملاقات امیرمؤمنان (علیه السلام) با خلیفه اول را در نزدیکی کوهی به نام «ضَبَّان» دانسته اند (ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ص ۱۷؛ محب الدین طبری، بی تا: ج ۳، ص ۱۳۱؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۳۱۵). فاصله کوه ضَبَّان تا مکه بیست و پنج میل (حموی، ۱۹۹۵: ج ۴، ص ۹۹)^{۱۴} است که تقریباً سی و هفت کیلومتری مکه می شود. بر این اساس بازگشت ابوبکر از این مکان به مدینه و مراجعت مجدد او به سوی مکه برای رسیدن به مناسک حج، تحت هر شرایط غیرممکن خواهد بود.

۳- عَزَج

برخی نویسندگان اهل تسنن، مکان ملاقات امیرمؤمنان علیه السلام با خلیفه اول را سرزمین «عَزَج» دانسته‌اند (نسائی، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۱۲۲؛ طحاوی، ۱۴۱۵: ج ۹، ص ۲۲۲). این اسم در جزیره العرب به مکان‌های مختلفی نسبت داده شده: سرزمینی در یمن، روستایی بزرگ و آباد در نزدیکی طائف و مکان‌های متعددی بین راه مکه و مدینه.^{۱۵} این مکان‌ها از نزدیکی شهر مکه آغاز می‌شود^{۱۶} و تا ۷۸ میلی (حدوداً ۱۱۶ کیلومتری) مدینه ادامه می‌یابد (حموی، ۱۹۹۵: ج ۴، ص ۹۹). این مکان اگر در نزدیکی مکه باشد، عملاً بازگشت ابوبکر غیرممکن خواهد بود و اگر در نزدیکی مدینه و سه‌منزلی آن باشد در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۴- ذوالحلیفه و سه منزل بعد از مدینه

شاید نکات بالا و عدم امکان بازگشت ابوبکر از مکان‌های نزدیک مکه، باعث شده است تا عده‌ای با حذف «مکان ملاقات»، و به منظور نزدیک کردن اذهان به امکان حضور ابوبکر در مراسم حج جاهلی آن سال، تنها به سه روز فاصله زمانی بین حرکت ابوبکر و حرکت امیرمؤمنان علیه السلام (احمد بن حنبل، بی‌تا: ج ۱، ص ۳؛ ابویعلی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۰۰؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۲، ص ۳۴۸) یا مکانی در اطراف «ذوالحلیفه» (احمد بن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۱۲) اشاره نمایند که در نزدیکی شهر مدینه است؛ البته نتیجه، باز نزدیک به همان آمار و ارقام پیشین می‌شود؛ زیرا ابوبکر از حرکت امیرمؤمنان علیه السلام بی‌خبر بوده و به مسیر خود ادامه می‌داده، در صورتی که امیرمؤمنان علیه السلام بدون فوت وقت و با سرعت هر چه تمام و به صورت شبانه‌روزی حرکت کرده باشد (مثلاً یک منزل را روز و یک منزل را شبانه طی کرده باشد و ابوبکر هم به صورت معمول و بی‌خبر از حرکت امیرمؤمنان، روزانه یک منزل به مسیر ادامه داده باشد) باز هم حضرت در حالی به ابوبکر رسیده است که وی شش روز از حرکتش گذشته و به منزل ششم رسیده است؛ در صورتی که ابوبکر هم به صورت طبیعی و

بدون فوت وقت، مسیر شش روزه را بازگشته^{۱۷} و پس از شنیدن سخنان پیامبر، بدون استراحت و تهیه توشه راه به سمت مکه به راه افتاده باشد و با فرض اینکه ماه سی روزه باشد، باز هم عملاً نمی توانسته زودتر از دوازدهم خود را به مکه برساند.

محاسبه زمانی این سخن را به این شکل می توان ارائه نمود: شش روز حرکت اولیه ابوبکر، شش روز بازگشت ابوبکر به مدینه و در صورت حرکت بدون وقفه و سریع و طی مسیر ده روزه در پنج روز از مدینه تا مکه. جمع این ایام برابر با هفده روز می شود. در صورتی که زمان حرکت اولیه ابوبکر را همان زمان حرکت متعارف مردم مدینه به سمت مکه برای انجام مراسم حج یعنی روز بیست و پنجم ذی قعدة بدانیم، زمان رسیدن ابوبکر به مکه مصادف با پایان روز دوازدهم و عملاً پایان اعمال و مناسک حج جاهلی، خواهد بود.

حال اگر فرض را بر آن بدانیم که ابوبکر پس از رسیدن امیر مؤمنان عليه السلام به ایشان، تمام مسیر بازگشت به مدینه و حرکت مجدد به سوی مکه را نیز با سرعت و با عجله پیموده باشد، باز هم نمی توانسته به مناسک آن سال رسیده باشد. بر این اساس باید به نکات زیر اشاره کرد:

الف: اشخاص و گاه کاروان های تجاری یا لشکرهای جنگی، فاصله بین مدینه تا مکه را تقریباً ده روزه طی می کردند؛^{۱۸} البته طی این مسیر به صورت پیاده حدوداً بیست روز طول می کشیده است.^{۱۹}

ب: به عقیده منابع اهل تسنن ابوبکر همراه گروهی از مسلمانان به سوی مکه به راه افتاده (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۵۴۳) و در نتیجه شروع حرکت او به صورت کاروانی بوده است که طبعاً باعث کاهش سرعت می شود. برخی منابع تعداد آنان را سیصد نفر ثبت کرده اند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۲۹۱). ج: هر کس که قصد انجام مناسک حج را دارد، باید حداکثر تا صبح روز نهم ذیحجه خود را به شهر مکه و سرزمین عرفات برساند. زمان ابلاغ نیز توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، روز دهم مصادف با عید قربان تعیین شده بود (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۵۴۵؛ ابن حجر عسقلانی، بی تا: ج ۸، ص ۶۶؛ عینی، بی تا: ج ۴، ص ۷۸).

با توجه به مطالب فوق اگر ابوبکر به صورت شبانه‌روزی و پی‌درپی، بدون هیچ‌گونه استراحتی، در طول شبانه‌روز مسیر مدینه تا مکه را پیموده باشد، جمع ایام مسافرت این‌گونه خواهد بود: ۶ روز حرکت ابتدایی ابوبکر از مدینه به سوی مکه + پس‌گرفته‌شدن آیات برائت از او توسط امیرمؤمنان علیه السلام و بازگشت سریع او به مدینه ظرف ۳ روز + حضور در مدینه و اطلاع از علت پس‌گرفته‌شدن آیات برائت فقط ۱ روز + حرکت مجدد و سریع به سمت مکه و رسیدن به این شهر ظرف مدت حداقل ۵ روز^۲ = جمع ایام فوق برابر با ۱۵ روز می‌شود؛ بنابراین:

- اگر شروع مسافرت او از بیست و پنجم شوال بوده، حداقل شروع روز یازدهم ذیقعه به مکه رسیده است و عملاً سومین روز مناسک حج مشرکان و روز پس از عید قربان را می‌توانسته درک کند.

- اگر حرکت او بین بیست و ششم شوال تا اول ذیقعه بوده، حداقل روزهای دوازدهم تا هفدهم ذیقعه^۱ و پس از پایان اعمال حج به مکه رسیده است.

لازم به ذکر است که آمار ارائه‌شده فوق تنها به صورت فرضی است؛ زیرا بیست و دو یا هفده یا حداقل پانزده روز حرکت شبانه‌روزی برای پیرمردی حدوداً شصت ساله آن هم بدون وقفه، بدون استراحت و بدون تهیه توشه راه - در مدینه و بین راه - امری است که اثبات آن بسیار دشوار به نظر می‌رسد؛ اما در مجموع ثابت می‌کند که ابوبکر نمی‌توانسته خود را به «مناسک حج مشرکان» در آن سال برساند.

نتیجه

گزارش‌های تاریخی و روایات موجود در منابع گوناگون اهل تسنن که بر اساس ملاک‌های روایی اهل تسنن، صحیح‌السند نیز شمرده می‌شوند، نشان می‌دهد ماجرای حج سال نهم، تنها مربوط به ابلاغ آیات سوره برائت بوده و اصلاً بحث امارت حج در کار نبوده است؛ زیرا مشرکان طبق رسومی که داشتند، حج را در سال نهم هجری، در ماه ذیقعه برپا کردند که قرآن آن را «زیاده فی الکفر» خوانده است و انجام مناسک حج در آن سال اصلاً برای مسلمانان مشروع نبود تا ابوبکر امیر بر حاجیان باشد.

حاصل سخن در بحث «ابلاغ» آیات برائت نیز آن شد که چه مکان ملاقات امیرمؤمنان علیه السلام با ابوبکر را نزدیک مکه در مناطق «ضجنان» یا «جحفه» بدانیم (که عملاً بازگشت ابوبکر به مدینه و حرکت مجدد او برای رسیدن به مناسک حج جاهلی آن زمان، غیرممکن است و واژه حرکت با تعجیل امیرمؤمنان علیه السلام برای رسیدن به ابوبکر که در بسیاری از منابع اهل تسنن آمده است، معنا پیدا می‌کند) و چه نزدیک مدینه، باز هم امکان ندارد وی با وسایل آن زمان توانسته باشد خود را به ایام حج جاهلی برساند؛ زیرا در صورتی که ابوبکر در همان روز ابتدایی حرکت حجاج از مدینه به مکه (بیست و پنجم ماه) حرکت خود را آغاز کرده باشد، مجموع زمان رفت و برگشت او:

الف: اگر به صورت تند مسافت را طی کرده باشد، حداقل شروع روز یازدهم ذی‌قعدة به مکه رسیده است؛ یعنی یک روز پس از عید قربان که پیامبر دستور داده بود آیات برائت در آن روز بر مشرکان خوانده شود.
ب: اگر به صورت نیمه تند مسافت را طی کرده باشد، پس از هفده روز می‌توانسته خود را به مکه برساند که مصادف می‌شده با پایان دوازدهم ذی‌قعدة که غالب حجاج اعمالشان پایان یافته است.
ج: اگر به صورت عادی مسافت را طی کرده باشد، پس از بیست و دو روز می‌توانسته خود را به مکه برساند که مصادف می‌شده با پایان هفدهم ذی‌قعدة، زمانی که حجاج در راه بازگشت به منازلشان بوده‌اند.

پی‌نوشت

۱. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۲۷۹ و ص ۲۸۴ و ص ۴۴۰؛ ج ۵، ص ۳۱ و ص ۳۳ و ص ۴۹۰ و ص ۴۹۳-۴۹۴؛ ج ۷، ص ۳۳۵ و ص ۳۴۴ و ص ۵۰۸؛ ج ۸، ص ۸۹ و ص ۲۹۳ و ص ۲۹۶-۲۹۷ و ص ۳۰۰ و ص ۵۱۳؛ و اشاره به خواننده شدن آیات برائت توسط ابوبکر در حج سال نهم: ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۴۴۰؛ ج ۸، ص ۵۱۳. این اصرار در دیگر آثار ابن تیمیه نیز مشاهده می‌شود به عنوان نمونه: ابن تیمیه، ۱۴۱۲: ج ۱۱، ص ۵۴۴ و ج ۱۹، ص ۲۰؛ ج ۲۱، ص ۲۷۶؛ ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۱۷۳؛ ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۳۴۶ و ج ۴، ص ۴۳۴؛ ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۱۷۳ و ج ۶، ص ۳۶۷).

۲. برای بررسی صحت سند روایت، ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۳(الف): ج ۱، ص ۴۱۹ و ج ۲، ص ۳۵۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۱۰۴ و ص ۴۲۳.
۳. جهت بررسی صحت سند روایت، ر.ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۴۰۲؛ ابوحجاج یوسف مزی، ۱۴۰۰: ج ۲، ص ۴۵۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳(الف): ج ۱، ص ۳۴۹ و ج ۲، ص ۲۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳(ب): ج ۵، ص ۲۴۵.
۴. برای ملاحظه صحت سند روایت، ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۳(الف): ج ۲، ص ۳۴۹ و ج ۲، ص ۴۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۴۲۷ و ص ۵۸۰؛ ابوحجاج یوسف مزی، ۱۴۰۰: ج ۳، ص ۱۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ج ۷، ص ۴۳۲.
۵. اینکه حج ابوبکر در سال نهم هجری، در ماه ذیقعد بوده، در منابع معتبر اهل تسنن به آن تصریح شده است (طبری، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۳۷۵ و ج ۱۰، ص ۱۷۰؛ ابواللیث سمرقندی، بی‌تا: ج ۲، ص ۵۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۵، ص ۴۴؛ قرطبی، بی‌تا: ص ۲۵۱؛ بیهقی، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۱۶۶؛ بغوی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۹۱؛ ابن عربی، بی‌تا: ج ۲، ص ۵۰۳؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۰؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۹۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۱: ج ۲، ص ۳۷۱)؛ به عنوان نمونه، صنعانی در تفسیر خود می‌نویسد: «اهل جاهلیت در هر دو سال در یکی از ماه‌ها حج می‌کردند تا آنکه حج ابوبکر در آخرین سال از دو سال، در ذیقعد واقع شد؛ پس حج رسول خدا ﷺ با ماه ذیحجه برابر شد» (صنعانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۷۶). نویری نیز در نهاية الأرب می‌نویسد: «وقتی سال نهم شد، ابوبکر حج را با مردم برپا کرد؛ پس حج او با ماه ذیقعد برابر شد؛ سپس حج رسول خدا ﷺ در سال بعد بود و حج به زمان خودش در ماه ذیحجه برگشت؛ همان‌طوری که از اول وضع شده بود» (نویری، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۱۵۶). حتی نویسنده متعصبی همچون ابن تیمیه نیز به این مطلب تصریح کرده و نوشته است: «مراسم حج در سال قبل از حجة الوداع، در غیر زمان خود واقع شد؛ زیرا مردم جاهلیت، ماه‌ها را جابه‌جا می‌کردند؛ چنان‌که خداوند آن را در قرآنش ذکر کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «نسیء افزایشی در کفر (مشرکان) است» (ابن تیمیه، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۲۲۳). وی می‌افزاید: «اهل جاهلیت، در هر دو

سال، در یک ماه حج می‌کردند؛ تا اینکه حج ابوبکر در سال آخر از دو سال و در ماه ذیقعدۀ واقع شد؛ سپس رسول خدا ﷺ سال بعد حج خود را انجام داد؛ پس حج آن حضرت در ماه ذیحجه واقع شد» (ابن تیمیه، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۲۲۵).

۶. در اینکه امیرمؤمنان علیؓ چند آیه از سوره برائت را ابلاغ کرده است، اختلاف است؛ چنان‌که علامه طباطبائی به این مطلب اشاره کرده و می‌نویسد: «برخی قائلند نه آیه بوده، دیگری نوشته ده آیه بوده، سومی نوشته شانزده آیه بوده. چهارمی نوشته سی آیه و پنجمی گفته سی و سه آیه و ششمی گفته سی و هفت آیه و هفتمی گفته چهل آیه و هشتمی نوشته تمام سوره برائت بوده است» (علامه طباطبائی، ۱۳۹۳: ج ۱۰، ص ۲۳۳).

۷. در نتیجه مصداق این آیات شده است: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده: ۴۴)؛ «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده: ۴۵)؛ «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (مائده: ۴۷).

۸. «ولا مانع من حملِهِ علي ظاهرِهِ لِقُرْبِ الْمَسَافَةِ» (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ج ۸، ص ۳۲۰). مبارکفوزی (مبارکفوزی، بی‌تا: ج ۸، ص ۳۸۶) و رشید رضا (رشید رضا: ۱۴۱۴: ج ۱۰، ص ۱۴۱) نیز سخن ابن حجر را پذیرفته و آن را نقل کرده‌اند.

۹. به عنوان نمونه شروع مسافرت پیامبر خدا ﷺ در حجة الوداع مصادف با ۲۵ ذیقعدۀ (ابن هشام، بی‌تا: ج ۲، ص ۶۰۱) و ورود ایشان به مکه ۵ ذیحجه بوده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۱، ص ۳۹۰ و ص ۳۹۵).

۱۰. منابع زمان حرکت را دهم رمضان و زمان فتح را بیستم این ماه ذکر کرده‌اند (ابن هشام، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۳۷؛ فسوی، ۱۴۰۱: ج ۳، ص ۲۵۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۶۹؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ج ۵، ص ۲۴). ابن کثیر طول سفر لشکریان اسلام را یازده روز دانسته (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۲۸۶) و از برخی نویسندگان نیز نقل قول کرده که آنان روز حرکت از مدینه را دوم و زمان ورود به مکه را سیزدهم یا هفدهم رمضان سال هشتم هجری دانسته‌اند (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۲۸۶).

۱۱. برخی محققان معاصر نیز تمامی استراحتگاه‌ها و منازل موجود در طول این مسیر را با ذکر جزئیات و گاه فاصله بین آن‌ها، ثبت نموده‌اند (شراب، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۱۷۱).
۱۲. منظور حرکت اولیه ابوبکر به دستور پیامبر خدا ﷺ از مدینه به سوی مکه، تا زمان ملاقات امیرمؤمنان علیه السلام با وی در حجه است.
۱۳. همان‌طور که پیامبر خدا ﷺ و دیگر حاجیان در حجة الوداع تا هجدهم ذیحجه خود را به غدیرخم رسانده بودند. این آمار حتی با کسر عدد پنج روز - که در ادامه توضیح آن خواهد آمد - از جمع بیست و دو روز به دست آمده نیز صادق خواهد بود؛ چراکه در این صورت هم، حضور ابوبکر در مکه زمانی است که حاجیان اعمال خود را تمام کرده‌اند یا در حال انجام آخرین مناسک هستند و عملاً ابلاغ به درستی صورت نخواهد گرفت.
۱۴. هر میل معادل ۱۴۸۲ متر است (دهخدا، ۱۳۴۷: ذیل واژه میل).
۱۵. ر.ک: ابن اثیر، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۱۱۲ پاورقی دوم. نیز برخی «عرج» را نزدیک مکانی به نام «سُقیا» دانسته‌اند (مقدسی، ۱۴۱۱: ص ۱۰۶).
۱۶. ر.ک: سمعانی، ۱۳۸۲: ج ۹، ص ۲۷۰ پاورقی ۶ آمده است: این مکان نزدیک مکه است؛ اما جزء شهر مکه به حساب نمی‌آید.
۱۷. چراکه در هیچ سندی نیامده که وی عجله داشته و مسیر را به سرعت سپری کرده است. همچنین در صورت به تعجیل رفتن ابوبکر، رسیدن امیرمؤمنان علیه السلام به وی در جحفه ممکن نیست؛ زیرا به تصریح منابع، ایشان سه روز پس از ابوبکر به راه افتاد (احمد بن حنبل، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۸۳)؛ اما طی کردن مسیر با سرعت درباره امیرمؤمنان علی علیه السلام برای اینکه خود را به ابوبکر برساند در منابع تصریح شده است.
۱۸. به عنوان نمونه پیامبر خدا ﷺ در حجة الوداع این مسیر را در ۱۰ روز طی کرده‌اند؛ یعنی شروع این مسافرت ۲۵ ذیقعد و ورود ایشان به مکه ۵ ذیحجه بوده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۱، ص ۳۹۰ و ص ۳۹۵). سایر مستندات مربوط به طی مسیر در آن عصر در صفحات قبل اشاره شد.

۱۹. امام سجاد علیه السلام برای انجام مناسک حج بارها این مسیر را پیاده ظرف مدت بیست روز طی کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۴۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۱۵۵).
۲۰. در برخی منابع آمده است که سیدالشهدا علیه السلام در آستانه قیام عاشورا و به هنگام رفتن از مدینه به مکه این مسیر را در عرض ۵ روز طی کرده است (طبری، ۱۳۸۷: ج ۵، ص ۳۸۱؛ مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۴-۳۵). ما هم همین تعداد روز را برای ابوبکر در نظر می‌گیریم.
۲۱. با توجه به انجام مناسک حج توسط مشرکان با عقاید، آداب و رسوم جاهلی عبارت صحیح ماه ذیقعدة است.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی شیبۀ الکوفی، ابوبکر (۱۴۰۹ق)، المصنّف فی الأحادیث والآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبة الرشد.
- ابن ابی عاصم، ابوبکر بن ابی عاصم شیبانی (۱۴۰۰ق)، السنة، بیروت: المکتب الاسلامی.
- ابن اثیر جزری، عزالدین (۱۴۱۵ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، تحقیق: علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- _____ (۱۳۸۵ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر - دار بیروت.
- ابن اعرابی، ابوسعید احمد بن محمد (۱۴۱۸ق)، معجم ابن الأعرابی، تحقیق عبدالمحسن بن ابراهیم الحسینی، عربستان: دار ابن الجوزی.
- ابن تیمیہ، احمد عبدالحلیم (۱۴۱۲ق)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد العاصمی النجدی، ریاض: مکتبة ابن تیمیة.
- _____ (۱۴۰۶ق)، منهاج السنة النبویة، تحقیق: محمد رشاد سالم، بی‌جا: مؤسسة قرطبة.

_____ (١٤١٣ق)، شرح العمدة في الفقه، تحقيق: سعود صالح العطيشان، رياض:

مكتبة العبيكان.

_____ (١٤٠٣ق)، الاستقامة، تحقيق: محمد رشاد سالم، مدينه منوره: جامعة الامام محمد

بن سعود.

_____ (١٤٠٨ق)، الفتاوى الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية.

_____ (١٤١٩ق)، الجواب الصحيح لمن بدل دين المسيح، تحقيق: علي بن حسن، عبد العزيز

بن إبراهيم و حمدان بن محمد، عربستان: دار العاصمة.

ابن جوزى، عبدالرحمن بن علي (١٤١٨ق)، كشف المشكل من حديث الصحيحين، تحقيق: علي

حسين البواب، رياض: دار الوطن.

_____ (١٤٠٧ق)، زاد المسير في علم التفسير، تحقيق: محمد بن عبد الرحمن عبدالله،

بيروت: دار الفكر.

ابن حبان، محمد بن حبان تميمي (١٤١٤ق)، صحيح ابن حبان، تحقيق شعيب الأرناؤوط، [بيروت]،

مؤسسة الرسالة.

ابن حبيب بغدادى، محمد (١٣٦١ق)، المحبر، بي جا: مطبعة الدائرة.

ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (١٣٩٠ق)، لسان الميزان، بيروت: مؤسسة اعلمي للمطبوعات.

_____ (١٤٠٦ق)، تقريب التهذيب، تحقيق: محمد عوامه، سوريه: دار الرشيد.

_____ (بي تا)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، تحقيق: محب الدين الخطيب، بيروت:

دارالمعرفه.

ابن حزم اندلسي، علي بن احمد (بي تا)، جوامع السيرة النبوية، بيروت: دار الكتب العلمية.

ابن سعد، محمد بن سعد هاشمي بصرى (١٤١٠ق)، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا،

بيروت: دار الكتب العلمية.

ابن سيد الناس، محمد بن محمد (١٤٠٦ق)، عيون الأثر، بيروت: مؤسسة عزالدين لطباعة والنشر.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۱۲ق)، مناقب آل ابی طالب، به کوشش: یوسف البقاعي، بیروت: دار الأضواء.

ابن عربی، محمد بن عبدالله (بی تا)، أحكام القرآن، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الفکر.
ابن عساکر دمشقی، علی بن حسن (۱۹۹۵م)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: عمر بن غرامة العمري، بیروت: دار الفکر.

ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۱۳ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام عبد الشافی، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن قدامه، عبدالله (بی تا) الف، المغنی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

_____ (بی تا) ب، الشرح الكبير، بیروت: دار الکتب العربی.

ابن کثیر دمشقی، ابی الفداء اسماعیل (۱۴۰۱ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الفکر.

_____ (۱۴۰۷ق)، البدایة والنهاية، بیروت: دار الفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۲ق)، مختصر تاریخ دمشق، تحقیق: روحیه النحاس، ریاض عبد الحمید مراد و محمد مطیع، دمشق: دار الفکر للطباعة و التوزیع و النشر.

ابن هشام، عبدالمک (بی تا)، السیره النبویه، به کوشش: مصطفی السقاء و دیگران، بیروت: دار المعرفة.

ابن زمنین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، تفسیر ابن زمنین، تحقیق: حسین بن عکاشه و محمد بن مصطفی الكنز، قاهره: فاروق الحدیثه.

ابی یعلی، أحمد بن علی (۱۴۰۴ق)، مسند أبی یعلی، تحقیق: حسین سلیم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث.

احمد بن حنبل، ابو عبدالله (۱۴۰۳ق)، فضائل الصحابة، تحقیق: وصی الله محمد عباس، بیروت: مؤسسة الرسالة.

_____ (بی تا)، مسند احمد، مصر: مؤسسة قرطبة.

امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶ش)، الغدير في الكتاب والسنة والادب، تهران: دار الكتب الإسلامية.
بخاري، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، صحيح البخاري، به کوشش: مصطفی ديب البغا، بيروت:
دار ابن كثير.

بغوي، حسين بن مسعود (بی تا)، تفسير البغوي المسمي معالم التنزيل، تحقيق: خالد عبدالرحمن،
بيروت: دار المعرفة.

بلاذري، احمد بن يحيى (۱۴۱۷ق)، أنساب الأشراف، به کوشش: سهيل زكار ورياض زركلي، بيروت:
دار الفكر.

بيهقي، أحمد بن حسين (۱۴۱۴ق)، السنن الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، مكة: مكتبة
دار الباز.

_____ (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، تحقيق: عبدالمعطي قلعجي، بيروت:
دار الكتب العلمية.

ترمذی، محمد بن عيسى (۱۴۰۳ق)، سنن الترمذی، تحقيق عبد الوهاب عبد اللطيف، بيروت:
دار الفكر.

ثعلبي نيشابوري، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف والبيان في تفسير القرآن، تحقيق: ابي محمد بن
عاشور، بيروت: دار احياء التراث العربي.

حاكم حسانى، عبيد الله بن عبد الله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق محمد باقر
محمودى، قم و تهران:

مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي ومجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
حاكم نيشابوري (بی تا)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف عبدالرحمن مرعشلي، بيروت:
دار المعرفة.

حداد عادل، غلامعلي؛ وديگران (۱۳۷۸ش)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنياد دائرة المعارف اسلامي.
حر عاملي، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشيعة، قم: آل البيت.

حج سال نهم وابلغ آیات برائت توسط ابوبكر؛ بررسی جغرافیایی وامكان سنجی زمانی / ۳۳۹

حموی، ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
حنبلی، محمد بن احمد (۱۹۹۸م)، تنقیح تحقیق أحادیث التعليق، تحقیق: أيمن صالح شعبان،
بیروت: دار الكتب العلمية.

حویزی، عبدعلي بن جمعه (۱۴۱۲ق)، تفسیر نورالثقلین، تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی
محلاتی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

دهخدا، علي اكبر (۱۳۴۷ش)، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
ذهبی شافعی، شمس الدین محمد (۱۴۱۳الف)، الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة،
تحقیق: محمد عوامه، جده: دار القبلة للثقافة الإسلامية.

_____ (۱۴۱۰ق)، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمري،
بیروت: دار الكتاب العربي.

_____ (۱۴۱۳ب)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: اکرم البوشي و دیگران، بیروت: مؤسسة الرسالة.
رازی شافعی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۱ق)، تفسیر الكبير أو مفاتيح الغيب، بیروت: دار
الكتب العلمية.

رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق)، تفسیر المنار، بیروت: دار المعرفة.
زمخشري، حمود بن عمر (۱۳۸۵ق)، الکشاف عن حقائق التنزيل وعیون الاقاویل، مصر: مكتبة
ومطبعة مصطفى البابي الحلبي واولاده.

سمرقندی، ابواللیث (بی تا)، تفسیر السمرقندی، تحقیق: محمود طرجي، بیروت: دار الفكر.
سمعاني، عبدالكريم بن محمد (۱۳۸۲ق)، الأنساب، تحقیق: عبدالرحمن معلمی یماني، حیدرآباد:
مجلس دائرة المعارف العثمانية.

سیوطی، عبدالرحمن بن أبي بكر (۱۴۲۱ق)، الحاوي للفتاوي في الفقه وعلوم التفسير والحديث
والاصول والنحو والاعرابوسائر الفنون، تحقیق: عبداللطيف حسن عبد الرحمن، بیروت: دار
الكتب العلمية.

_____ (بي تا)، جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، تحقيق: عباس

أحمد صقر و أحمد عبدالجواد، بيروت، دارالفكر.

شهيد اول، محمد بن مكي عاملي (١٤١٢ق)، الدروس الشرعيه في فقه الاماميه، قم: نشر اسلامي.

صدوق، محمد بن علي (١٤٠٣ق)، الخصال، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: منشورات جماعه مدرسين.

_____ (١٤١٢ق)، كمال الدين وتمام النعمه، بيروت: اعلمي.

صنعاني، ابوبكر عبدالرزاق (١٤١٠ق)، تفسير القرآن، تحقيق: مصطفى مسلم محمد، رياض: مكتبة الرشد.

صيمري بحراني، مفلح (١٤٢٠ق)، غاية المرام في شرح شرايع الاسلام، به كوشش: جعفر كوثراني، بيروت:

دار الهادي.

طباطبائي، سيد محمد حسين (١٣٩٣ق)، الميزان في تفسير القرآن، بيروت: اعلمي.

طبراني، سليمان بن احمد (بي تا)، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي عبدالمجيد السلفي، بيروت: دار

احياء التراث العربي.

طبرسي، فضل بن الحسن (١٤٠٦ق)، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفة.

طبري، محمد بن جرير (١٤١٥ق)، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق: صدقي، جميل العطار،

بيروت: دار الفكر.

_____ (١٣٨٧ق)، تاريخ الأمم والملوك، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث.

طبري، محب الدين احمد بن عبدالله (بي تا)، الرياض النضرة في مناقب العشرة، بيروت: دار الكتب العلمية.

طحاوي، احمد بن محمد (١٤١٥ق)، شرح مشكل الآثار، تحقيق: شعيب الانزوط، بيروت: مؤسسة الرسالة.

طوسي، محمد بن الحسن (بي تا)، التبيان في تفسير القرآن، به كوشش: احمد حبيب عاملي، بيروت:

دار احياء التراث العربي.

عاملي، محسن امين (بي تا)، اعيان الشيعة، تحقيق: حسن الامين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.

عياشي، محمد بن مسعود (بي تا)، تفسير العياشي، به كوشش: رسولي محلاتي، تهران: مكتبة

العلمية الاسلامية.

عيني، محمود بن احمد (بي تا)، عمدة القاري، بيروت: دار احياء التراث العربي.

- فاسي، محمد (۱۴۲۱ق)، شفاء الغرام، به كوشش: گروهی از علما، بيروت: دار الكتب العلمية.
- فسوی، یعقوب بن سفیان (۱۴۰۱ق)، المعرفة والتاریخ، تحقیق: اکرم ضیاء العمری، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- قرطبی، ابن عبد البر (بی تا)، الدرر فی اختصار المغازی و السیر، بی جا، بی نا.
- _____ (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب، تحقیق البجاوی، بیروت: دار الجیل
- قمي، علي بن ابراهيم (۱۴۰۴ق)، تفسير القمي، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، قم: مؤسسه دارالکتاب.
- مبارکفوزي، محمد عبدالرحمن (بی تا)، تحفة الأخوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- متقی هندی، علي بن حسام الدين (۱۴۰۹ق)، كنز العمال، تحقیق: شیخ بکری حیانی و شیخ صفوة السقا، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسي، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- شراب، محمد بن محمد حسن (۱۴۱۱ق)، المعالم الأثرية في السنة والسير، بیروت و دمشق: دار القلم والدار الشامیة.
- مروزي، احمد بن علي (بی تا)، مسند أبي بكر الصديق، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، بیروت: مكتب الإسلامی.
- مزي، يوسف بن الزكي (۱۴۰۰ق)، تهذيب الكمال، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مسعودي، علي بن الحسين (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب، به كوشش: اسعد داغر، قم: دار الهجرة.
- مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، الإرشاد، بیروت: دار المفید.
- _____ (۱۴۱۸ق)، الأمالي، به كوشش: علي اكبر غفاري و استادولی، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
- مقدسي، محمد بن أحمد (۱۴۱۱ق)، أحسن التقاسيم في معرفة الأقاليم، القاهرة: مكتبة مدبولي.
- نسائي، أحمد بن شعيب (۱۴۱۱ق)، السنن الكبرى، تحقیق: عبدالغفار سليمان البنداري، بیروت: دار الكتب العلمية.
- نووي، محيي الدين يحيي بن شرف (۱۴۰۷ق)، شرح مسلم، بیروت: دارالکتب العربي.
- _____ (بی تا)، المجموع، بیروت: دار الفكر.
- نويري، أحمد بن عبد الوهاب (۱۴۲۴ق)، نهاية الأرب في فنون الأدب، تحقیق: مفید قمحیہ و جماعه، بیروت: دارالکتب العلمیة.

واقدي، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، المغازی، به کوشش: مارسدن جونس، بیروت: اعلمي.
هیثمی، علي بن أبي بكر (۱۴۰۷ق)، مجمع الزوائد ومنیع الفوائد، قاهره- بیروت: دار الریان للتراث- دار
الكتاب العربي.
یوسفی غروی، محمد هادی، (۱۳۸۳ش)، تاریخ تحقیقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام
خمینی (ره).

References

The Noble Quran.

Ibn Abī Shayba al-Kūfī, Abū Bakr. 1409 AH. *Al-Muṣannaf fī l-aḥādīth wa-l-āthār*. Edited by Kamāl Yūsuf al-Ḥūt. Riyadh: Maktabat al-Rushd.

Ibn Abī 'Āṣim, Abū Bakr ibn Abī 'Āṣim al-Shaybānī. 1400 AH. *Al-Sunna*. Beirut: al-Maktab al-Islāmī.

Ibn al-Athīr al-Jazarī, 'Izz al-Dīn. 1415 AH. *Uṣd al-ghāba fī ma'rifat al-ṣaḥāba*. Edited by 'Alī Muḥammad Ma'wād. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.

Ibn al-Athīr al-Jazarī, 'Izz al-Dīn. 1385 AH. *Al-Kāmil fī l-tārīkh*. Beirut: Dār Ṣādir – Dār Beirut.

Ibn A'rābī, Abū Sa'īd Aḥmad ibn Muḥammad. 1418 AH. *Mu'jam Ibn al-A'rābī*. Edited by 'Abd al-Muḥsin ibn Ibrāhīm al-Ḥusaynī. 'Arabistān: Dār Ibn al-Jawzī.

Ibn Taymiyya, Aḥmad 'Abd al-Ḥalīm. 1412 AH. *Kutub wa-rasā'il wa-fatāwā Shaykh al-Islām*. Edited by 'Abd al-Raḥmān ibn Muḥammad al-'Āṣimī al-Najdī. Riyadh: Maktabat Ibn Taymiyya.

Ibn Taymiyya, Aḥmad 'Abd al-Ḥalīm. 1406 AH. *Minhāj al-sunna al-nabawiyya*. Edited by Muḥammad Rashād Sālīm. No place: Mu'assasat Qurṭuba.

Ibn Taymiyya, Aḥmad 'Abd al-Ḥalīm. 1413 AH. *Sharḥ al-'umda fī l-fiqh*. Edited by Sa'ūd Ṣāliḥ al-'Aṭīshān. Riyadh: Maktabat al-'Abīkān.

Ibn Taymiyya, Aḥmad 'Abd al-Ḥalīm. 1403 AH. *al-Istiḳāma*. Edited by Muḥammad Rashād Sālīm. Medīna: Jāmi'at al-Imām Muḥammad ibn Sa'ūd.

Ibn Taymiyya, Aḥmad 'Abd al-Ḥalīm. 1408 AH. *al-Fatāwā al-kubrā*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.

Ibn Taymiyya, Aḥmad 'Abd al-Ḥalīm. 1419 AH. *al-Jawāb al-ṣaḥīḥ li-man baddala dīn al-*

- Masīḥ*. Edited by ‘Alī ibn Ḥasan, ‘Abd al-‘Azīz ibn Ibrāhīm, and Ḥamdān ibn Muḥammad. ‘Arabistān: Dār al-‘Āshima.
- Ibn al-Jawzī, ‘Abd al-Raḥmān ibn ‘Alī. 1418 AH. *Kashf al-mushkil min ḥadīth al-ṣaḥīḥayn*. Edited by ‘Alī Ḥusayn al-Bawwāb. Riyadh: Dār al-Waṭan.
- Ibn al-Jawzī, ‘Abd al-Raḥmān ibn ‘Alī. 1407 AH. *Zād al-masūr fī ‘ilm al-tafsīr*. Edited by Muḥammad ibn ‘Abd al-Raḥmān ‘Abdallāh. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Ḥibbān, Muḥammad ibn Ḥibbān al-Tamīmī. 1414 AH. *Ṣaḥīḥ Ibn Ḥibbān*. Edited by Shu‘ayb al-Arnā‘ūt. Beirut: Mu’assasat al-Risāla.
- Ibn Ḥabīb al-Baghdādī, Muḥammad. 1361 AH. *al-Muḥabbar*. N.p.: Maṭba‘at al-Dā‘ira.
- Ibn Ḥajar al-‘Asqalānī, Aḥmad ibn ‘Alī. 1390 AH. *Lisān al-mīzān*. Beirut: Mu’assasat A‘lamī lil-Maṭbū‘āt.
- Ibn Ḥajar al-‘Asqalānī, Aḥmad ibn ‘Alī. 1406 AH. *Taqrīb al-Tahdhīb*. Edited by Muḥammad ‘Awāma. Syria: Dār al-Rashīd.
- Ibn Ḥajar al-‘Asqalānī, Aḥmad ibn ‘Alī. No date. *Fath al-bārī sharḥ ṣaḥīḥ al-Bukhārī*. Edited by Muḥibb al-Dīn al-Khaṭīb. Beirut: Dār al-Ma‘rifā.
- Ibn Ḥazm al-Andalusī, ‘Alī ibn Aḥmad. n.d. *Jawāmi‘ al-sīra al-nabawiyya*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ibn Sa‘d, Muḥammad ibn Sa‘d al-Hāshimī al-Baṣrī. 1410 AH. *Al-Ṭabaqāt al-kubrā*. Edited by Muḥammad ‘Abd al-Qādir ‘Aṭā. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ibn Sayyid al-Nās, Muḥammad ibn Muḥammad. 1406 AH. *Uyūn al-athar*. Beirut: Mu’assasat ‘Izz al-Dīn li-l-Ṭibā‘a wa-l-Nashr.
- Ibn Shahrāshūb, Muḥammad ibn ‘Alī. 1412 AH. *Manāqib Āl Abī Ṭālib*. Edited by Yūsuf al-Biqā‘ī. Beirut: Dār al-Aḍwā’.
- Ibn ‘Arabī, Muḥammad ibn ‘Abd Allāh. n.d. *Aḥkām al-Qur’ān*. Edited by Muḥammad ‘Abd al-Qādir ‘Aṭā. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn ‘Asākir al-Dimashqī, ‘Alī ibn Ḥasan. 1995. *Tārīkh madīnat Dimashq*. Edited by ‘Umar ibn Gharāma al-‘Umrī. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn ‘Aṭīyya al-Andalusī, ‘Abd al-Ḥaqq ibn Ghālīb. 1413 AH. *Al-Muḥarrar al-wajīz fī tafsīr al-kitāb al-‘azīz*. Edited by ‘Abd al-Salām ‘Abd al-Shāfi. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ibn Qudāma, ‘Abdallāh. n.d.(a). *al-Mughnī*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ibn Qudāma, ‘Abdallāh. n.d.(b). *al-Sharḥ al-kabīr*. Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.

- Ibn Kathīr al-Dimashqī, Abū al-Fidā' Ismā'īl. 1401 AH. *Tafsīr al-Qur'ān al-'azīm*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Kathīr al-Dimashqī, Abū l-Fidā' Ismā'īl. 1407 AH. *al-Bidāya wa-l-nihāya*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. 1402 AH. *Mukhtaṣar Tārīkh Dimashq*. Edited by Ruḥiyya al-Naḥḥās, Riyāḍ 'Abd al-Ḥamīd Murād, and Muḥammad Muṭī'. Damascus: Dār al-Fikr li-ṭibā'a wa-l-tawzī' wa-l-nashr.
- Ibn Hishām, 'Abd al-Malik. n.d. *al-Sīrah al-Nabawiyya*. Edited by Muṣṭafā al-Saqqā' and others. Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Ibn Zamanīn, Muḥammad ibn 'Abd Allāh. 1423 AH. *Tafsīr Ibn Zamanīn*. Edited by Ḥusayn ibn 'Ukāsha and Muḥammad ibn Muṣṭafā al-Kanz. Cairo: Fārūq al-Ḥadītha.
- Abū Ya'ī, Aḥmad ibn 'Alī. 1404 AH. *Musnad Abū Ya'ī*. Edited by Ḥusayn Salīm Asad. Damascus: Dār al-Māmūn li-l-Turāth.
- Aḥmad ibn Ḥanbal, Abū 'Abd Allāh. 1403 AH. *Faḍā'il al-Ṣaḥāba*. Edited by Waṣī' Allāh Muḥammad 'Abbās. Beirut: Mu'assasat al-Risāla.
- Aḥmad ibn Ḥanbal, Abū 'Abd Allāh. n.d. *Musnad Aḥmad*. Egypt: Mu'assasat Qurṭuba.
- Amīnī, 'Abd al-Ḥusayn. 1366 Sh. *al-Ghadīr fī al-Kitāb wa-l-Sunna wa-l-Adab*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Bukhārī, Muḥammad ibn Ismā'īl. 1407 AH. *Ṣaḥīḥ al-Bukhārī*. Edited by Muṣṭafā Dīb al-Baghā. Beirut: Dār Ibn Kathīr.
- Baghawī, Ḥusayn ibn Mas'ūd a-. n.d. *Tafsīr al-Baghawī al-Ma'lām al-Tanzīl*. Edited by Khālīd 'Abd al-Raḥmān. Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Balādhurī, Aḥmad ibn Yahyā a-. 1417 AH. *Anṣāb al-Ashrāf*. Edited by Suhayl Zakkār and Riyāḍ Zarkalī. Beirut: Dār al-Fikr.
- Bayhaqī, Aḥmad ibn Ḥusayn a-. 1414 AH. *al-Sunan al-Kubrā*. Edited by Muḥammad 'Abd al-Qādir 'Atā. Mecca: Maktaba Dār al-Bāz.
- Bayhaqī, Aḥmad ibn Ḥusayn al-. 1405 AH. *Dalā'il al-Nubuwwa wa-Ma'rifat Aḥwāl Ṣaḥīb al-Sharī'a*. Edited by 'Abd al-Muṭṭī Qal'ājī. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Tirmidhī, Muḥammad ibn 'Isā al-. 1403 AH. *Sunan al-Tirmidhī*. Edited by 'Abd al-Waḥhāb 'Abd al-Laṭīf. Beirut: Dār al-Fikr.
- Tha'labī Nishāpūrī, Aḥmad ibn Muḥammad al-. 1422 AH. *Al-Kashf wa-l-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Edited by Abū Muḥammad ibn 'Āshūr. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.

- Ḥākim Ḥaskānī, 'Ubaydallāh ibn 'Abdallāh al-. 1411 AH. *Shawāhid al-Tanzīl li-Qawā'id al-Taḥḍīl*. Edited by Muḥammad Bāqir Maḥmūdī. Qom and Tehran: Mu'assasat al-Tab' wa-l-Nashr al-Muttaba'a li-Wazārat al-Thaqāfa wa-l-Irshād al-Islāmī wa-Majma' Ihyā' al-Thaqāfa al-Islāmī.
- Ḥākim Nishāpūrī al-. n.d. *al-Mustadrak 'alā al-Ṣaḥīḥayn*. Edited by Yūsuf 'Abd al-Raḥmān Mar'ashlī. Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Haddad Adel, Gholamali (ed.). 1378 Sh. *Encyclopedia of Islamic world*. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan al-. 1412 AH. *Wasā'il al-Shī'a*. Qom: Āl al-Bayt.
- Ḥamawī, Abū 'Abdallāh Yāqūt ibn 'Abdallāh al-. 1995 CE. *Mu'jam al-Buldān*. Beirut: Dār Ṣādir.
- Ḥanbalī, Muḥammad ibn Aḥmad al-. 1998 CE. *Tanqīḥ Taḥqīq Aḥādīth al-Ta'līq*. Edited by Ayman Ṣāliḥ Shabān. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Ḥuwayzī, 'Abd 'Alī ibn Jum'a al-. 1412 AH. *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn*. Edited and commented by Sayyid Ḥāshim Rasūlī Maḥallātī. Qom: Mu'assasat Ismā'īliyyān.
- Dehkoda, Ali Akbar. 1347 Sh. *Lughatnāma Dehkoda*. Tehran: University of Tehran.
- Dhahabī al-Shāfi'ī, Shams al-Dīn Muḥammad al-. 1413a AH. *Al-Kāshif fī ma'rifa man la riwaya fī al-kutub al-sitta*. Edited by Muḥammad 'Awāma. Jeddah: Dār al-Qibla li-l-Thiqāfat al-Islāmiyya.
- Dhahabī al-Shāfi'ī, Shams al-Dīn Muḥammad al-. 1410 AH. *Tārīkh al-Islām wa-Wafayāt al-Mashāhīr wa-l-'Alām*. Edited by 'Umār 'Abd al-Salām Tadmurī. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
- Dhahabī al-Shāfi'ī, Shams al-Dīn Muḥammad a-. 1413b AH. *Sīrat A'lām al-Nubalā'*. Edited by Akram al-Būshī and others. Beirut: Mu'assasat al-Risālah.
- Rāzī al-Shāfi'ī, Fakhr al-Dīn Muḥammad ibn 'Umar al-. 1421 AH. *Tafsīr al-Kabīr aw Maḥfātīḥ al-Ghayb*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Riḍā, Muḥammad Rashīd. 1414 AH. *Tafsīr al-Manār*. Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Zamakhsharī, Ḥamūd ibn 'Umar al-. 1385 AH. *Al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq al-Tanzīl wa-'Uyūn al-Aqāwīl*. Cairo: Maktabat wa-Maṭba'at Muṣṭafā al-Bābī al-Ḥalabī wa-Awlāda.
- Samarqandī, Abū al-Layth al-. n.d. *Tafsīr al-Samarqandī*. Edited by Maḥmūd Maṭrajī. Beirut: Dār al-Fikr.
- Sam'ānī, 'Abd al-Karīm ibn Muḥammad al-. 1382 AH. *Al-Ansāb*. Edited by 'Abd al-Raḥmān Ma'lamī Yamānī. Hyderabad: Majma' Dā'irat al-Ma'ārif al-'Uthmāniyya.

- Suyūṭī, ‘Abd al-Raḥmān ibn Abī Bakr al-. 1421 AH. *Al-Ḥāwī li-l-Fatāwī fī al-Fiqh wa-‘Ulūm al-Tafsīr wa-l-Ḥadīth wa-l-Uṣūl wa-l-Naḥw wa-l-I‘rāb wa-Sā‘ir al-Funūn*. Edited by ‘Abd al-Laṭīf Ḥasan ‘Abd al-Raḥmān. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Suyūṭī, ‘Abd al-Raḥmān ibn Abī Bakr al-. n.d. *Jāmi‘ al-Aḥādīth: al-Jāmi‘ al-Ṣaḡhīr wa-Zawā‘iduhu wa-l-Jāmi‘ al-Kabīr*. Edited by ‘Abbās Aḥmad Ṣaqr and Aḥmad ‘Abd al-Jawād. Beirut: Dār al-Fikr.
- Shahīd al-Awwal, Muḥammad ibn Makī‘ al-‘Āmilī al-. 1412 AH. *Al-Durūs al-Shar‘iyya fī Fiqh al-Imāmiyya*. Qom: Nashr Islāmī.
- Ṣadūq, Muḥammad ibn ‘Alī al-. 1403 AH. *Al-Kḥṣāl*. Edited by ‘Alī Akbar Ghaffārī. Qom: Manshūrāt Jam‘iyat Mudarrisīn.
- Ṣadūq, Muḥammad ibn ‘Alī al-. 1412 AH. *Kamāl al-Dīn wa-Tamām al-Ni‘ma*. Beirut: ‘Ilmiyya.
- Ṣan‘ānī, Abū Bakr ‘Abd al-Razzāq al-. 1410 AH. *Tafsīr al-Qur‘ān*. Edited by Muṣṭafā Muslim Muḥammad. Riyadh: Maktabat al-Rushd.
- Ṣimrī al-Bahrānī, Muflīḥ al-. 1420 AH. *Ghāya al-Murām fī Sharḥ Sharā‘i‘ al-Islām*. Edited by Ja‘far Kautharānī. Beirut: Dār al-Hādī.
- Ṭabāṭabā‘ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1393 AH. *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur‘ān*. Beirut: ‘Ilmiyya.
- Ṭabarānī, Sulaymān ibn Aḥmad al-. n.d. *Al-Mu‘jam al-Kabīr*. Edited by Ḥamdī ‘Abd al-Majīd al-Salfī. Beirut: Dār Iḥyā‘ al-Turāth al-‘Arabī.
- Ṭabarsī, Faḍl ibn al-Ḥasan al-. 1406 AH. *Majma‘ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur‘ān*. Beirut: Dār al-Ma‘rifah.
- Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr al-. 1415 AH. *Jāmi‘ al-Bayān ‘an Tāwīl Āy al-Qur‘ān*. Edited by Ṣidqī, Jamīl al-‘Atṭār. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr al-. 1387 AH. *Tārīkh al-Umam wa-l-Mulūk*. Edited by Muḥammad Abū al-Faḍl Ibrāhīm. Beirut: Dār al-Turāth.
- Ṭabarī, Maḥbūb al-Dīn Aḥmad ibn ‘Abd Allāh al-. n.d. *Al-Riyāḍ al-Naḍra fī Manāqib al-Ashara*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ṭaḥāwī, Aḥmad ibn Muḥammad al-. 1415 AH. *Sharḥ Mushkil al-Āthār*. Edited by Shu‘ayb al-Arnā‘ūt. Beirut: Mu‘assasat al-Risāla.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan al-. n.d. *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur‘ān*. Edited by Aḥmad Ḥabīb ‘Āmilī. Beirut: Dār Iḥyā‘ al-Turāth al-‘Arabī.

- Āmilī, Muḥsin Amīn al-. n.d. *A 'yān al-Shī'a*. Edited by Ḥasan al-Amīn. Beirut: Dār al-Ta'āruf li-l-Maṭbū'āt.
- 'Iyāshī, Muḥammad ibn Mas'ūd al-. n.d. *Tafsīr al-'Iyāshī*. Edited by Rasūlī Maḥallāfī. Tehran: Maktabat al-'Ilmiyya al-Islāmiyya.
- 'Aynī, Maḥmūd ibn Aḥmad al-. n.d. *Umda al-Qārī*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Fāsī, Muḥammad. 1421 AH. *Shifā' al-Gharām*. Edited by a group of scholars. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Fasawī, Ya'qūb ibn Sufyān al-. 1401 AH. *Al-Ma'rifa wa-l-Tārīkh*. Edited by Akram Ḍiyā' al-'Umarī. Beirut: Mu'assasat al-Risāla.
- Ibn 'Abd al-Barr, al-Qurṭubī. n.d. *Al-Durr fī Ikhtisār al-Maghāzī wa-l-Sīra*. n.p.: n.p.
- Ibn 'Abd al-Barr, al-Qurṭubī. 1412 AH. *Al-Isti'āb*. Edited by al-Bajāwī. Beirut: Dār al-Jīl.
- Qummī, 'Alī ibn Ibrāhīm al-. 1404 AH. *Tafsīr al-Qummī*. Edited by Sayyid Ṭabīb Mūsawī Jazā'irī. Qom: Mu'assasat Dār al-Kitāb.
- Mubārakfūzī, Muḥammad 'Abd al-Raḥmān. n.d. *Tuḥfat al-Aḥwadhī bi-Sharḥ Jāmi' al-Tirmidhī*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Muttaqī a-Hindī, 'Alī ibn Ḥassām al-Dīn al-. 1409 AH. *Kanz al-'Ummāl*. Edited by Shaykh Bakrī Ḥayānī and Shaykh Ṣafwa al-Saqā. Beirut: Mu'assasat al-Risāla.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1403 AH. *Bihār al-Anwār*. Beirut: Mu'assasat al-Wafā'.
- Sharāb, Muḥammad ibn Muḥammad Ḥasan. 1411 AH. *Al-Ma'ālīm al-'Athīra fī al-Sunna wa-l-Sīra*. Beirut and Damascus: Dār al-Qalam and Dār al-Shāmiyya.
- Marwazī, Aḥmad ibn 'Alī al-. n.d. *Musnad Abī Bakr al-Ṣiddīq*. Edited by Shu'ayb al-Arnāuṭ. Beirut: Maktabat al-Islāmī.
- Mizzī, Yūsuf ibn al-Zakī al-. 1400 AH. *Tahdhīb al-Kamāl*. Edited by Bashār 'Awād Ma'rūf. Beirut: Mu'assasat al-Risālah.
- Mas'ūdī, 'Alī ibn al-Ḥusayn. 1409 AH. *Murūj al-Dhahab*. Edited by As'ad Dāghir. Qom: Dār al-Hijra.
- Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. 1414 AH. *Al-Irshād*. Beirut: Dār al-Mufīd.
- Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. 1418 AH. *Al-Amālī*. Edited by 'Alī Akbar Ghafārī and Ustādūlī. Qom: Mu'assasat Nashr Islāmī.
- Maqdisī, Muḥammad ibn Aḥmad al-. 1411 AH. *Aḥsan al-Taqāsīm fī Ma'rifat al-Aqālīm*. Cairo: Maktabat Madbūlī.

- Nisā'ī, Aḥmad ibn Shu'ayb al-. 1411 AH. *Al-Sunan al-Kubrā*. Edited by 'Abd al-Ghaffār Sulaymān al-Bandārī. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Nawawī, Muḥyī al-Dīn Yaḥyā ibn Sharaf al-. 1407 AH. *Sharḥ Muslim*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Arabī.
- Nawawī, Muḥyī al-Dīn Yaḥyā ibn Sharaf al-. n.d. *Al-Majmū'*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Nuwayrī, Aḥmad ibn 'Abd al-Wahhāb al-. 1424 AH. *Nihāyat al-Arb fī Funūn al-Adab*. Edited by Mafīd Qumḥiyya and group. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Wāqīdī, Muḥammad ibn 'Umar al-. 1409 AH. *Al-Maghāzī*. Edited by Marsden Jones. Beirut: 'Ilmiyya.
- Haythamī, 'Alī ibn Abī Bakr. 1407 AH. *Majma' al-Zawā'id wa-Manba' al-Fawā'id*. Cairo-Beirut: Dār al-Riyān li-l-Turāth and Dār al-Kitāb al-'Arabī.
- Yousefi Gharavi, Mohammad Hadi. 1383 Sh. *Tārīkh-i taḥqīqī-yi Islam*. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.